

بسم الله الرحمن الرحيم

# تدریس اثربخش در نظام آموزش و پرورش؛ نظریه و پژوهش

مولفان :

ندا سلیمانی رودبند - فهیمه عزیزایی

زهره خواجوئی نژاد

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۹

# فهرست مطالب

پیشگفتار

## فصل اول : مفهوم تدریس و یادگیری

مقدمه

تعاریف و مفهوم تدریس

چهارچوب تدریس

سازماندهی فعالیت‌های فرایند یاددهی - یادگیری

عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس معلمان

## فصل دوم : معیارهای تدریس موثر

مقدمه

طرح درس

اجرای تدریس

مدیریت کلاس درس

روابط انسانی

ویژگی های شخصیتی معلم

ارزشیابی از عملکرد دانش آموزان

اخلاق تدریس

## **فصل سوم : الگوها و روش های موثر**

**تدریس**

مقدمه

الگوهای تدریس

روش های تدریس

## **فصل چهارم : کاربرد نظریه های یادگیری**

**در فرایند تدریس و یادگیری**

مقدمه

نظریه یادگیری رفتارگرایی

نظریه یادگیری شناختی

نظریه یادگیری ساختارگرایی

**فهرست منابع و مآخذ**

## پیشگفتار

در عصر حاضر هدف نظام‌های تعلیم و تربیت، ایجاد تغییرات مطلوب در نگرش، شناخت و رفتار انسان‌ها، پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت، توانایی حل مسأله، استفاده از تکنولوژی روز، پرورش شهروندان دموکراتیک و همچنین تربیت نیروهای انسانی کارآمد برای جامعه است.

تحقق اهداف و رسالت‌های نظام تعلیم تربیت از دوره‌های مقدماتی و ابتدایی تا آموزش عالی، صرفاً مستلزم در نظر گرفتن مواد، موضوعات درسی، امکانات و تسهیلات آموزشی نیست؛ چرا که در فرآیند کلی تعلیم و تربیت، نحوه ارائه موضوعات درسی و تعامل موثر با فراگیران نیز از جایگاه خاصی در پیشبرد اهداف نظام‌های آموزشی برخوردار می‌باشد. در این

زمینه معلم نقش بسیار مهم و خطیری را بر عهده دارد، زیرا علاوه بر نقش هدایتی، حمایتی، تقویتی و سازمان دادن به فعالیت‌های تدریس و یادگیری، توجه به رشد هماهنگ و مناسب ابعاد وجودی دانش آموزان نیز بر عهده اوست، بر همین اساس محققین همواره به دنبال تعیین ویژگی‌های مطلوب برای یک معلم اثربخش و خوب بوده اند تا بر اساس آن بتوانند زمینه‌ای را جهت انجام تدریس موثر توسط معلمان جهت تحقق اهداف و رسالت‌های خطیر نظام تعلیم و تربیت فراهم نمایند.

بر همین اساس، هدف از تالیف کتاب حاضر، ارائه معیارهای تدریس موثر بر اساس استنادات علمی و با استفاده از نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در حوزه تدریس، بوده است.

محتوای اثر حاضر تحت عنوان "تدریس اثربخش در نظام آموزش و پرورش؛ نظریه و پژوهش"، شامل مفهوم تدریس و یادگیری، عوامل موثر در کیفیت تدریس، الگوها و روش‌های موثر تدریس

و چالش‌های تدریس در آموزش و پرورش است که در فصول جداگانه به تفصیل بررسی و تشریح گردیده است. امید داریم این کتاب زمینه‌ای را برای تامل و تفکر در مورد تدریس و تحقق تدریس موثر در نظام آموزش و پرورش، فراهم کند و یاری بخش معلمان، در امر مقدس تعلیم و تربیت باشد.

مolfان این کتاب خود را بی نیاز از دیدگاه‌های مخاطبان و خوانندگان عزیز نمی‌دانند و مایه خوشحالی خواهد بود که با ارائه انتقادات، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای ارزشمند خود، ما را در جهت رفع نقایص این اثر، یاری نمایند!

---

۱. علاقه‌مندان، مخاطبان و خوانندگان عزیز می‌توانند انتقادات، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را به نشانی الکترونیکی [F.azizae@gmail.com](mailto:F.azizae@gmail.com) ارسال نمایند.

فصل اول

مفهوم تدریس و

یادگیری

## مقدمه

کیفیت تدریس معلمان نقشی مهم در تحقق اهداف نظام‌های آموزشی و تربیت نیروی انسانی کارآمد دارد. در این زمینه بررسی اسناد و کتاب‌های نوشته شده در کشورهای پیشرفته به طور عمده نشان می‌دهد که نظام‌های آموزش و پرورش تا قرن بیستم آن چنان که باید راه به جایی نبرده‌اند و بین آموزش و زندگی شکاف به وجود آورده بود. در اواخر قرن بیستم، جهانیان دریافتند که آموزش و پرورش نباید از واقعیت‌های زندگی دور بماند. این مسأله، نظام آموزشی جدیدی را پی ریخت که معلم را پایه و اساس قرار داد (رؤوف، ۱۳۷۹). معلم، در تدریس با عوامل مختلف و متعددی سروکار دارد که کنترل مجموعه‌ی آنها ممکن است محیطی را به وجود آورد که یادگیری مطلوب و مؤثر در آن صورت

گیرد. بدون شک عواملی همچون شخصیت معلم، زمینه‌های علمی و تجربی او، زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی شاگردان، زمینه‌های علمی و ویژگی‌های فردی شاگردان، اهمیت موضوع درس، قوانین و مقررات نظام آموزشی و به طور کلی جامعه‌ای که معلم و شاگردان در آن زندگی می‌کنند، در کیفیت تدریس معلم تأثیر می‌گذارد. معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری، قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست اما تا حدی می‌توان با تعیین هدف‌های صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روش‌های مناسب تدریس و تهیه و به کارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با شاگردانش، کیفیت تدریس خود را دستخوش تحول کند. (سبحانی نیا، ۱۳۸۵). در این فصل ابتدا تعاریف و مفاهیم تدریس - بر اساس دیدگاه‌های صاحب نظران - ارائه می‌شود و سپس به چهارچوب تدریس، سازماندهی فعالیت‌های یاددهی - یادگیری و عوامل موثر در تدریس، پرداخته می‌شود.

## تعاریف و مفهوم تدریس

با توجه با تعدد و کثرت تعاریفی که از تدریس توسط صاحب نظران ارایه شده است، نمی توان به ارایه یک تعریف واحد از تدریس پردازیم، اما مروری بر تعاریف ارایه شده فوق الذکر در رابطه با تدریس از منظر صاحب نظران، نشان می دهد که در مجموع سه نگرش کلی در ارتباط با تدریس وجود دارد که در اینجا نگرش های مورد نظر و تعاریف مرتبط با هر یک از نگرش ها که توسط صاحب نظران و نظریه پردازان حوزه تدریس ارایه شده است، دسته بندی و تشریح می شود.

### ۱- نگرشی که هدف و قصد برای یادگیری را

مورد توجه قرار می دهد:

این نگرش تدریس را فرایندی در نظر می گیرد که تمام فعالیت های آن در راستای هدایت فراگیران به سمت یادگیری است، در واقع این نگرش هدف

گراست و به هدف و قصد تدریس که یادگیری می باشد توجه می کند. برخی از مهم ترین تعریف های ارایه شده از تدریس با نگرش هدف گرا عبارتند از:

- به مجموعه تدابیر منظمی که معلم برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات، اتخاذ می کند، روش تدریس می گویند (شعبانی، ۱۳۸۲).

- روش های تدریس، شیوه کار معلم را در کلاس شکل می دهند و فرصت های مناسب را برای یادگیری دانش آموزان فراهم می کنند (آقازاده، ۱۳۸۴).

- مهر محمدی (۱۳۷۴) به نقل از گیج.ان.ال تدریس را هرگونه فعالیتی می داند که از جانب یک فرد به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگری انجام می پذیرد تا یادگیرنده را با

زوایای بیشتری از ناشناخته آشنا کند.<sup>۱</sup>

- تدریس عبارت است از آرایه کمک صحیح در فرایند یادگیری. بدین ترتیب تدریس شکل خاصی از آموزش است که همواره به انجام صحیح فرآیند یادگیری می‌انديشد (میرلوحی، ۱۳۸۲).

- «لانجرن ۱ (۲۰۰۱)، تدریس را فرایند پیچیده و از قبل برنامه ریزی شده‌ای می‌داند که توسط معلم در کلاس درس اجرا می‌شود و هدف عمده اش ایجاد درگیری و تعامل ذهنی یادگیرنده با مطالب یادگرفتنی است.

- اسمیت ۲ (۱۹۸۸)، تدریس را فرایندی از اعمال می‌داند که در تهیج یادگیری صورت می‌پذیرد.

---

1. helling

2. Brown & Atkins

- براون و اتکینز ۲ معتقد است تدریس عبارت است از فراهم سازی فرصت هایی برای یادگیری دانش آموز و فرایندی تعاملی و فعالیتی تعمدی است (صادقی، ۱۳۸۹).

## ۲- نگرشی که موفقیت در یادگیری را مورد

توجه قرار می دهد :

طرفداران این نگرش معتقدند تدریس اقدام یا اقداماتی است که باعث می شود در فراگیر یادگیری به وقوع بپیوندد. این نگرش تدریس را فرایندی در نظر می گیرد که مهم ترین ویژگی آن ایجاد یادگیری در یادگیرنده می باشد، در واقع این نگرش نتیجه گراست و به موفقیت عمل تدریس که وقوع و ایجاد یادگیری در فراگیر می باشد توجه می کند. برخی از مهم ترین تعریف های ارائه شده از تدریس با نگرش نتیجه گرا عبارتند از :

- تدریس به معنای فعالیتی تعهد آور همراه با

هدفی است که منجر به ایجاد یادگیری در فرد دیگری می شود (رابرتسون ۳، ۱۹۸۷).

- تدریس نوعی فعالیت است، فعالیتی که آگاهانه و بر اساس هدف خاص انجام می گیرد و موجب تغیی رفتار در یادگیرنده می شود. برای انتقال اطلاعات، نیاز به روش مناسب داریم به گونه ای که روش فرایند تدریس را منسجم و هدف دار سازد. پس روش تدریس عبارت از راه تعلیم با قاعده و منطقی برای ارایه درس است (صفوی، ۱۳۷۵).

- تدریس فرایند کنش هدف دار بر اساس برنامه و با استفاده از روش ها و فنون مؤثر و نیز به کارگیری فناوری متناسب با محتوای

---

1. Lanjern

2. smith

3. Robertson

یک موضوع درسی به منظور ایجاد یا تسهیل یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۸۶).

- آیزنر (۱۹۹۴) اظهار می‌دارد، تدریس زمانی صورت می‌گیرد که معلمان توسط حسن انجام فعالیت‌های آموزشی خود، موفق می‌شوند تا فراگیران، در کل یا در قسمتی از موضوع مورد نظر، به یادگیری قادر شوند.

### ۳- نگرشی که تعامل بین مدرس و یادگیرنده را

#### مورد توجه قرار می‌دهد

طرفداران این نگرش معتقدند تدریس به منزله تعاملی در نظر گرفته می‌شود که بین معلم و دانش آموز در کلاس درس، در جریان می‌باشد. این نگرش مهم‌ترین ویژگی تدریس را فعل و انفعال دو جانبه و کنش و واکنش بین مدرس و یادگیرنده در جهت نیل به یادگیری می‌داند. برخی از مهم‌ترین تعریف‌های

ارایه شده از تدریس با این نگرش عبارتند از :

- تدریس فعالیتی بین فردی است که در این فعالیت حداقل دو نفر این فعالیت دخیل هستند و زمانی تدریس انجام می‌پذیرد که معلم با یک یا تعدادی یادگیرنده در ارتباط متقابل می‌باشد (بروور ۲، دوژنج ۳ و استوت ۴، ۲۰۰۱).

- تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار توسط معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد (میرزا محمدی، ۱۳۸۳).

- امیدون ۵ و هانتر ۶ (۱۹۶۷) تدریس را یک جریان تعامل می‌دانند که در شکل ابتدایی، گفتگوی کلاس درس را در بر می‌گیرد، بین معلم و شاگردان رخ می‌دهد و طی فعالیت‌های کاملاً تعریف شده به پیش می‌رود (موسی پور، ۱۳۸۳).

- تدریس یک فعل و انفعال دو جانبه بین معلم و فراگیران است که فراگیر را با محتوای درسی درگیر کند و با علاقه مندی و شور و شوق، مفاهیم جدید را از موضوعات ارائه شده استنباط نمایند و بدین وسیله زمینه تغییر در نگرش خود را فراهم نموده و ارزش های نوینی را خلق نمایند. در چنین حالتی ویژگی ها و رفتار معلم بر فعالیت و اعمال فراگیران تأثیر می گذارد و بالعکس معلم از ویژگی ها و رفتارهای فراگیران متأثر می شود. به هر حال فعالیت تدریس به منظور اطمینان یافتن از اثر گذاری محتوای برنامه درسی بر فراگیران انجام می گیرد و بیشتر فعالیت و تلاش فراگیران را می طلبد تا کوشش های ذهنی معلم در کلاس درس را. از طرفی فعالیت درسی بر پایه اصول نظام داری تدوین و سازماندهی می شود که بر عهده معلم است، بر اساس این طراحی معلم ساخته، هدایت

فعالیت‌های تدریس جهت درگیر شدن فراگیر با موضوع درسی، وظیفه اصلی معلم در فرایند تدریس است (شعبانی، ۱۳۷۱).

- فلندرز تدریس را یک فرایند کنش و واکنش تعریف می‌کند که این کنش و واکنش بین معلم و دانش آموز جهت نیل به اهداف مطلوب صورت می‌گیرد و در نتیجه این کنش و واکنش، هم معلم و هم دانش آموز سود می‌برند (صادقی، ۱۳۸۹).

- به عقیده شعبانی (۱۳۸۶)، اگر فعالیت معلم در کلاس به صورت رفتار متقابل و بر اساس هدف خاصی صورت نگیرد و موجب ایجاد تغییر در رفتار شاگردان نشود، به هیچ عنوان تدریس به آن اطلاق نخواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت هر یک از این تعاریف و نگرش‌های مطرح شده بر جنبه‌های خاصی از تدریس تاکید می‌کنند و بر اساس این جنبه‌ها به تعریف و

تشریح تدریس می پردازند، با توجه با اینکه امروزه بر اصل تعامل و مشارکت فراگیران در فرایند تدریس تاکید بسیاری وجود دارد، نگرش سومم از طرفداران زیادی برخوردار است.

## چهارچوب تدریس

همان طور که قورچیان (۱۳۷۴) می گوید؛ چهارچوبی برای تدریس مترتب است که مسئولیت های معلمان را نسبت به شاگردان بیش از پیش برجسته می نماید، در این چهارچوب که براساس مطالعات تجربی و پژوهش های نظری، عوامل ارتقاء دهنده بهبود یادگیری شاگردان هستند، در چهار حیظه و ۲۲ قسمت تقسیم و طبقه بندی شده اند که عبارتند از :

### حیطه اول) برنامه ریزی و آمادگی :

الف : نشان دادن دانش محتوا و آموزش

ب) نشان دادن دانش مربوط به شاگردان

ج) انتخاب اهداف آموزشی

د) نشان دادن دانش مربوط به منابع

ه) طراحی آموزش منسجم و قابل فهم، و ارزیابی یادگیری دانش آموز

### حیطه دوم) محیط کلاس:

الف) ایجاد محیطی توأم با احترام و صمیمیت

ب) ایجاد فرهنگ یادگیری

ج) روش‌های کلاس داری

د) مدیریت رفتار دانش آموز و سازماندهی فضای فیزیکی

### حیطه سوم) آموزش

الف) برقراری ارتباط واضح و درست، راه‌ها و

روش‌ها و زبان گفتاری و نوشتاری

ب) استفاده از تکنیک‌های پرسش و پاسخ و  
مباحثه

ج) درگیر کردن دانش‌آموزان در یادگیری

د) دادن بازخورد به شاگردان، و حساسیت و  
انعطاف‌پذیری نشان دادن

### حیطه چهارم) مسئولیت‌های حرفه‌ای

الف) تفکر در امر تدریس، صحت یا درستی و  
استفاده در تدریس آینده

ب) نگهداری گزارش‌های درست

ج) برقراری ارتباط با خانواده‌ها

د) همکاری با مدرسه و ناحیه

ه) رشد و توسعه حرفه‌ای و نشان دادن مهارت‌های  
حرفه‌ای (قورچیان، ۱۳۷۴).

## سازماندهی فعالیت‌های فرایند یاددهی – یادگیری

همان‌طور که شعبانی (۱۳۸۵) سیف (۱۳۸۶) و مهرداد (۱۳۸۲) گفته‌اند فرایند یاددهی و یادگیری بر فعالیت‌هایی مبتنی است که صاحب‌نظران آنها را در سه طبقه کلی فعالیت‌های قبل از تدریس، فعالیت‌های ضمن تدریس و فعالیت‌های بعد از تدریس سازماندهی کرده‌اند و به منظور اثربخشی این فرایند بر انجام دقیق و درست هر کدام از فعالیت‌ها تأکید بسیار دارند.

### الف) فعالیت‌های قبل از تدریس:

از آنجا که این فعالیت‌ها بیشتر کاربردی هستند و نشان‌دهنده چگونگی انجام عمل با صراحت، ظرافت و دقت هرچه بیشتر به وسیله معلم می‌باشند، به مهارت‌های قبل از تدریس هم معروف‌اند. فعالیت‌هایی که در این مرحله باید به وسیله معلم سازمان داده شوند شامل هدف‌گذاری، طبقه‌بندی

و تحلیل این اهداف در حیطه‌های یادگیری، تحلیل آموزشی، تعیین محتوا، روش و وسیله و در نهایت تحلیل نظام ارزشیابی و کاربرد طراحی آموزشی است. همان طوری که ملاحظه می‌شود عمده ترین مؤلفه در این قسمت، هدف و چگونگی تحقق بخشیدن به آن است. بدیهی است اگر هدف‌های مورد نظر در اینجا به درستی و صراحت تحلیل و اولویت بندی نشوند، امکان حرکت و فعالیت درست و در نهایت تحقق هدف‌های آموزشی غیرممکن خواهد بود. از طرفی بی توجه به هدف، مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و وسایل، محتوا و روش‌های آموزشی در دسترس معلم نخواهد بود. از این جهت، عنایت به این مهارت‌ها و فعالیت‌ها و سازمان دادن آنها به وسیله معلم موجب معنادار بودن تدریس او و سهولت امر یادگیری در دانش آموزان خواهد شد.

### **(ب) فعالیت‌های ضمن تدریس :**

این فعالیت‌ها و مهارت‌ها شامل الگوها، روش

ها، فنون و راهبردهای تدریس اند. هر کدام از این مفاهیم جایگاه خاصی در فرایند یاددهی - یادگیری داشته و آگاهی معلم از آنها کاملاً لازم و ضروری است. در به کارگیری مهارت‌های ضمن تدریس، دانش آموز و ویژگی‌های او محور اصلی تعیین روش تدریس معلم است و امروزه عدالت آموزشی حکم می‌کند که به سمت روش‌های آموزشی انفرادی پیش برویم، یعنی آموزش بر اساس توانایی‌های فراگیران. بدین منظور، انفرادی کردن آموزش از پدیده‌های مهم سال‌های اخیر نظام‌های آموزشی دنیاست و بر پیشرفت براساس توان فردی، یادگیری در حد تسلط، تدریس خصوصی، راهنمایی و به کارگیری تکنیک‌ها و روش‌های مکمل همراه با آموزش سنتی استوار است. پرواضح است که بی توجهی به نیازها و علایق دانش آموزان و تمرکز بر روش‌های سنتی آموزش در فرایند یاددهی - یادگیری، زمینه از بین رفتن انگیزه به تحصیل و حضور جدی در کلاس درس و لطمه خوردن ارتباط معلم و دانش آموز را

به وجود می آورد و از طرفی، به دلیل ارتباط تصنعی مفاهیم آموزشی با شرایط واقعی زندگی، فارغ التحصیلان با نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه بیگانه بار خواهند آمد.

### ج) فعالیت‌های بعد از تدریس :

این مهارت‌ها شامل فرایند بسیار مهم ارزشیابی در قالب مفاهیم امتحان، اندازه‌گیری، آزمون و انواع ارزشیابی و روش‌های مختلف ارزشیابی است. ضرورت ارزشیابی از دید معلم این است که اطلاعات بسیار ارزشمندی را در رابطه با آمادگی و پیشرفت تحصیلی فراگیران و بازدهی‌های کلاس درس در اختیار او قرار می‌دهد، که بر این اساس می‌تواند در طرح آموزشی خویش تجدیدنظر و اصلاح لازم را به عمل آورد و دانش آموزان هم بدین وسیله در جریان چگونگی یادگیری خویش قرار می‌گیرند و هم ضمن کسب انگیزه لازم به تحصیل، به جنبه‌های مثبت و منفی خود در یادگیری آگاه خواهند شد و در نهایت

زمینه خودشناسی که از اهداف مهم تعلیم و تربیت است در آنها فراهم خواهد گردید (مهرداد، ۱۳۸۲).

## عوامل مؤثر بر کیفیت تدریس معلمان

به زعم صاحب نظران عرصه آموزش و یادگیری، عوامل مهم و مؤثر در تدریس عبارتند از: ویژگی‌های شخصیتی معلم، فضا و تجهیزات آموزشی، برنامه و ساخت نظام آموزشی، ویژگی‌های شاگردان، ویژگی‌های شخصیتی و علمی معلم. در ادامه فصل به تعریف و تشریح این موارد پرداخته می‌شود.

### ۱- توانمندی علمی و ویژگی‌های شخصیتی معلم

اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی، معلم است. اوست که حتی می‌تواند نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد

ارتباط عاطفی مطلوب به محیطی غیر فعال و غیر جذاب تبدیل کند. در فرایند تدریس، تنها تجارب و دیدگاه‌های علمی معلم نیست که مؤثر واقع می‌شود، بلکه کل شخصیت اوست که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تأثیر می‌گذارد.

در فرایند تدریس، رفتار و کردار معلم از اهمیت خاصی برخوردار است. برای شاگردان، رفتار و عمل معلم معیار مناسبی برای ارزشیابی مطالب، گفته‌ها، وصایا و رهنمودهای اوست. بنابر این، معلم باید در رفتار و اعمالش آنقدر بزرگوار باشد که نمونه و الگوی شاگردانش قرار گیرد. شاگردانش را آزاده بار بیاورد و به آنان بیاموزد که انسانیت قابل تحقق است و خود نیز نمونه‌ی تحقق یافته یا انسانیت باشد. معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. شخصیت متعادل همراه با تسلط علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. شخصیت متعادل همراه

با تسلط علمی معلم، او را از نظر شاگردانش با ارزش و اعتبار می‌سازد. معلمی از نظر علمی قوی است که به روش‌های ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط، آگاه و بر آنها مسلط باشد. معلم باید از نظریه‌های جدید ارتباطی از دانش‌های جدید روانشناسی و علوم رفتاری، به ویژه روانشناسی تدریس و یادگیری، آگاهی کافی داشته باشد. روش تدریس<sup>۱</sup> توسط معلم باید متناسب با اصول آموزش و پرورش و خصوصیات شاگردان انتخاب شود؛ زیرا وظیفه اساسی معلم فقط درس دادن و پس گرفتن درس نیست، بلکه مهم‌ترین وظیفه او همکاری و راهنمایی یکایک شاگردان برای رسیدن به هدف‌های مطلوب تعلیم و تربیت است.

## ۲- ویژگی‌های شاگردان

آگاهی از فرایندهای شناختی شاگردان در سنین مختلف از ضروری‌ترین وظایف معلم است؛ زیرا

فرایند رشد شاگرد، علایق، میزان انگیزش، بلوغ عاطفی، سوابق اجتماعی و تجارب گذشته از عواملی هستند که همواره در روش کار معلم در کلاس درس اثر می‌گذارند. شاگردان صفات زیادی مانند راستگویی، دروغ‌گویی، شهامت، ترس، پرخاشگری، تلاش و بسیاری از صفات مطلوب و نامطلوب را با خود از خانواده به درون مدرسه می‌آورند. اگر معلمی تصور کند بدون شناخت شاگردان و بدون آگاهی از فرایند رشد ذهنی و اجتماعی آنان و حتی بدون همکاری والدین می‌تواند در ادای وظایف آموزشی موفق باشد، سخت در اشتباه است.

معلم نمی‌تواند بدون توجه به ویژگی‌های شاگردان، آنان را به کار کردن وا دارد و به عبارت دیگر، کار را بر آنان تحمیل کند؛ زیرا فعالیت‌های عقلی، اخلاقی و اجتماعی شاگرد تابع اراده‌ی معلم نیست. تدریس معلم باید براساس نیاز، علاقه و توانایی‌های ذهنی شاگردان تنظیم شود.